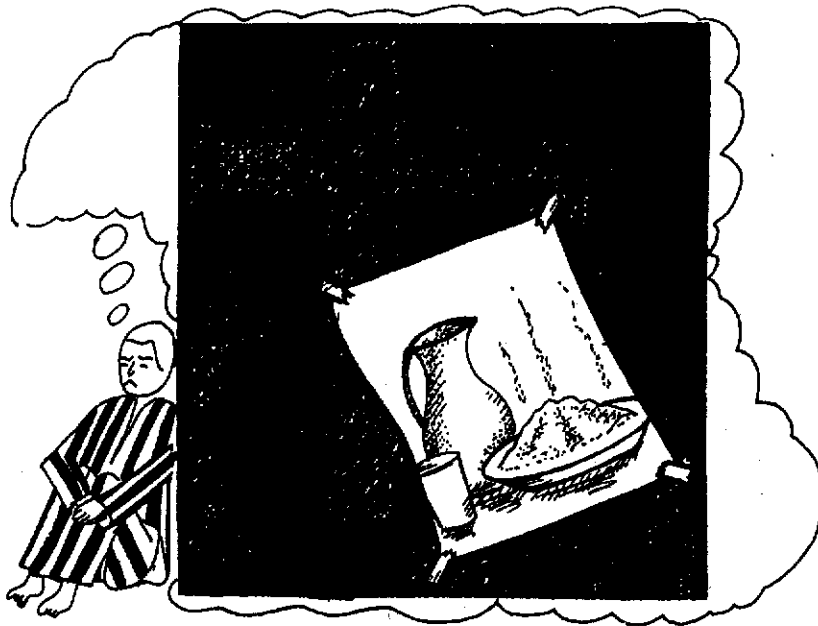


خوردن خوراک مقوی پیش از اجرای حکم صلب:

□ دکتر ولی ا. ملکوتی فر



پس از صدور حکم صلب محارب، با توجه به این امر که اگر مصلوب بعد از سه روز زنده بماند حق حیات دارد،

الف: آیا محکوم می‌تواند پیش از اجرای حکم از داروهای مقاوم کننده بدن استفاده کند؟

ب: اگر کسی به او خوردنی یا نوشیدنی برساند، ممانعت از او جایز است یا خیر؟

"محارب" کسی است که سلاح از غلاف بیرون آورد و مردم را بترساند؛ چه در خشکی باشد یا دریا؛ شب یا روز؛ در شهر باشد یا غیر شهر؛ مرد باشد یا زن؛ قوی باشد یا ضعیف.

از آنجا که محارب امنیت جامعه را به مخاطره می‌اندازد، شارع مقدس مجازات سختی را برای محارب در نظر گرفته است، چنانچه آیات شریفه ۳۳ و ۳۴ از سوره مبارکه مائده بیانگر حد محارب است:

«إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ لَنَا وَرَسُولَنَا وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ

يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ...»

«کیفر کسانی که با خدا و پیامبرش می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند اینست که کشته یا به دار آویخته شوند و یا دست و پایشان در جهت مخالف قطع شود...»

حال سؤال اینست که آیا مجازات چهارگانه محاربه جنبه تخییری دارد یا خیر یعنی آیا حکومت اسلامی هر یک از آنها را درباره هر کسی که صلاح ببیند، اجرا می‌کند و یا مجاز نیست و می‌بایست متناسب با چگونگی جرم و جنایتی باشد که انجام گرفته است؟

در این مطلب بین فقهای عظام اختلاف است، مرحوم شیخ مفید، و دیلمی، حلی (رحمة... علیهم)، و اکثر متأخرین قائل به تخییر شده‌اند، دلیل این مطلب یکی اینست که اصل در کلمه «أو» تخییر است و دیگر اینکه احادیثی که در این باره از امام معصوم (علیهم‌السلام) که درباره آن سؤال کرده‌اند و امام فرموده است: «تعیین حد از اختیارات

امام است»^(۱)

از طرفی، گروه دیگری از علما از قبیل شیخ ابو جعفر، فاضل هندی، شیخ طوسی، اسکافی، تقی بن زهره و پیروان شیخ، قائل به ترتیب شده‌اند و ادعای اجماع نموده‌اند.^(۲)

در ماده (۱۹۱) قانون مجازات اسلامی، قبول تخییر انتخاب شده است. طبق مقررات ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی، حد محاربه و افساد فی الارض یکی از چهار چیز است: ۱- قتل؛ ۲- آویختن به دار؛ ۳- اول قطع دست راست و سپس پای چپ؛ ۴- نفی بلد و بلافاصله درباره نحوه اجرای هر یک از مجازاتهای مقدره توضیحاتی به شرح زیر ارائه شده است:

۱- مصلوب کردن محارب و مفسد فی الارض، برابر ماده (۲۵) و (۲۶) آیین‌نامه نحوه اجرای احکام اعدام، رجم، صلب، و یا نقص عضو، موضوع تبصره "یک" ماده (۲۸) قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو، (مصوب ۱۳۷۰/۲/۱۵) به

صورت زیر انجام می‌گیرد:

در اجرای حد صلب، محکوم را به چوبه دار که شبیه صلیب تهیه شده است، در حالی که پشت به صلیب و روی به قبله بوده، و پاهایش را عمودی می‌بندند و به مدت سه روز به همان حالت رها می‌کنند، پس از انقضای سه روز، او را از چوبه دار به پائین می‌آورند و اگر فوت کرده باشد، پس از انجام مراسم مذهبی دفن می‌کنند؛ چنانچه فوت مصلوب زودتر از سه روز محرز گردید، پائین آوردن جسد برای انجام مراسم مذهبی و کفن و دفن قبل از انقضای سه روز بلامانع است.

تذکر: آنچه در قانون فوق آمده، مورد قبول تمام فقها نیست، از جمله شهید ثانی که در این باره می‌نویسد: «پس از گذشت سه روز یا بیش از آن او را پائین می‌آورند و با غسل و حنوط و کفن او را تجهیز می‌کنند، در صورتی که در طول این سه روز جان داده باشد؛ اما اگر در طول این مدت نمیرد او را می‌کشند و سپس تجهیز می‌کنند.»

امام خمینی (ره)، در این باره می‌فرماید: «محارب، زنده به دار آویخته می‌شود و جایز نیست بیشتر از سه روز وی بر چوبه دار باشد، پس از سه روز پائین آورده می‌شود، چنانچه مرده بود غسل داده و کفن نموده و نماز گزارده و دفن می‌کنند و اگر هنوز زنده باشد، گفته‌اند همان دم کشته می‌شود و این مشکل است، بلی ممکن است گفته شود او را آنچنان به دار آویزند که بمیرد و این خالی از اشکال نیست.»^(۳)

بفرض بپذیریم که اگر مصلوب بعد از سه روز زنده بود حق حیات دارد، این

مسأله پیش می‌آید که آیا خوردن خوراک مقوی پیش از اجرای حد صلب جایز است یا خیر؟

آنچه از منابع و مأخذ مربوط استنباط می‌شود، حکم به جواز است. اکنون به توضیح مختصری پیرامون ادله ادعای مذکور می‌پردازیم:

(۱) **اطلاق نصوص:** در هیچ یک از احادیثی که در این باره در کتب فقهی آمده

مراد از «منطقه الفراغ» نسبت به نصوص و متون تشریحی اسلام است نه نسبت به عالم واقع؛ چون به طور مسلم، هر واقعه‌ای عیناً... حکمی دارد، لیکن همه این احکام در منابع موجود ذکر نشده‌اند.

است، اشاره به این مطلب نشده است که خوردن غذای مقوی برای محکوم ممنوع است.

- مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب وسایل الشیعه، سه حدیث در این باره بیان کرده که اشاره‌ای به مطلب مذکور ندارد.^(۴) - علامه مجلسی، در بحار (ج ۷۹۰)، در مستدرک الوسائل و نیز در مرآت العقول، اشاره‌ای به منع خوردن غذای مقاوم کننده بدن نداشته است.

- حد محارب در کتب اهل سنت: در «سنن ابن داود» (ج ۲/ ص ۱۳۰) نه حدیث در باره محارب آمده است، اما اشاره به محل نزاع نشده است. در «سنن ابن ماجه» (ج ۲/ ص ۸۶۱) ذیل عنوان «باب من حارب و سعی فی الارض فساداً»، دو حدیث آمده، اما متعرض محل بحث نشده

است.

- در صحیح بخاری (ج ۴/ ص ۳۳) ذیل عنوان، «کتاب المحاربین من اهل الکفر و الزّده» در باب اول، آیه شریفه ۳۳ و ۳۴ «سوره مبارکه مائده» مطرح شده و یک حدیث بیان شده است و در باب دوم؛ «باب ام یحسم النبی (ص) المحاربین من اهل الرده حتی هلكوا»، یک حدیث آمده است و در باب سوم: «باب لم یُسق المرء دون المحاربون حتی ماتوا»، یک حدیث آمده است. در باب چهارم: «باب تسمیر النبی (ص) اعین المحاربین» و نیز یک حدیث بیان شده که هیچ کدام متعرض محل نزاع نشده‌اند.

- در «سنن ترمذی»، (طی شماره ۱۴۲۸ تا ۱۴۸۹)، احادیث مربوط به حد بیان شده، لیکن متعرض بحث حد محارب نشده است. از آنچه گفته شد معلوم می‌شود که احادیث از این جهت مطلق است و سخنی درباره تغذیه محارب قبل از اجرای حکم صلب به میان نیامده است، لذا احادیث مربوط به خوردن غذای مقاوم کننده بدن قبل از اجرای حکم صلب معارضی ندارد.

۲) اصالة الاباحه

- یکی از مباحثی که در علم اصول مطرح می‌شود، اینست که آیا اصل در اشیا اباحه است یا حظر. علمای اخباری در شبهه تحریمیه در صورت فقدان نص، قائل به احتیاط شده‌اند و یکی از ادله آنها همین است که می‌گویند: اصل در اشیا، حظر است مگر دلیل شرعی وارد شود. در مقابل، علمای اصول قائل به اصالة الاباحه در اشیا هستند مگر اینکه نهی وارد شود.

با توجه به این مقدمه کوتاه، می‌توان گفت که خوردن غذای مقاوم کننده بدن

جایز و امری مسلم و مفروغ عنه است. آری، این اشکال به نظر می‌رسد که خوردن مباحات هم در بعضی از اوقات ممنوع است؛ چنانچه در ماه مبارک رمضان نیز باید از خوردن و آشامیدن در ساعات خاصی اجتناب کرد و محل بحث شاید از همین قبیل باشد و بگوییم مسأله اصالة الاباحه در مورد شخصی که می‌خواهند او را بکشند، ممنوع است.

- در جواب، باید گفت که این اشکال وقتی وارد است که نصی در ممنوعیت داشته باشیم لیکن در محل بحث، نصی وارد نشده است، لذا همان «اصالة الاباحه» به قوت خود باقی است.

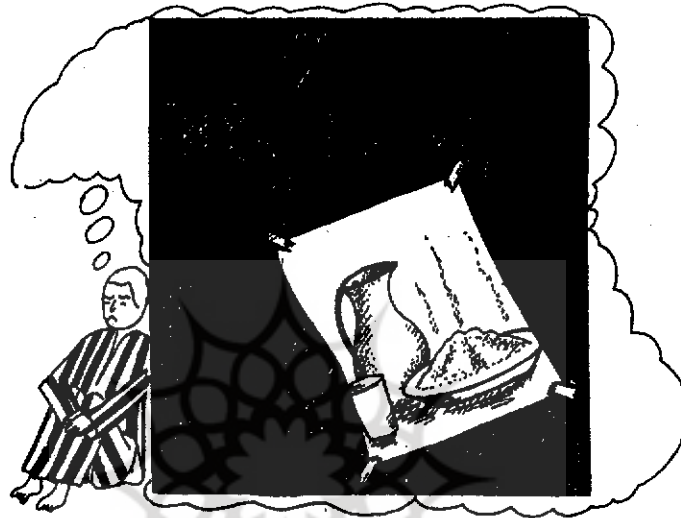
- در آیه بیست و نهم از

سوره شریفه «بقره» آمده است که: «هو الذی خلق لکم مافی الارض جمیعاً؛ خداوند در این آیه شریفه بر بندگان منت گذارده بر اینکه هر آنچه در زمین است برای انسان خلق نموده است و این امتنان وقتی مفهوم پیدا می‌کند که تمام اشیائی که برای انسان نفع دارد، حلال باشد.

- مؤید دلیل دوم: قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» نیز تاییدی بر دلیل دوم است، چنانچه منظور از «سلطنت» که در این حدیث نبوی آمده اینست که مالک، حق هر گونه تصرف محله در مال خود را دارد و هرگاه که فردی بر جواز تصرفی شک کند، می‌تواند به این قاعده تمسک جوید.

البته در سند این حدیث نبوی، چنین

اشکال شده که حدیث مرسل است، علاوه بر اینکه در «کتب اربعه» نیز بیان نشده است، لیکن مدلول این حدیث از احادیث دیگر استفاده می‌شود از جمله «صحیح محمد بن مسلم» از امام باقر (ع) علاوه بر اینکه سیره عقلا، نیز مبنی بر این بوده که صاحب مال تسلط کامل بر مال خود دارد؛ سومین مطلبی که بر اعتبار حدیث مذکور



سه روز بردار باشد. و نیز مانند این خبر از حضرت علی (علیه السلام)، که شخصی را در حیره سه روز به دار آویخت و پس از سه روز او را پایین آورد و بر او نماز گزارد و دفن کرد.

در پاسخ می‌گوییم: هدف تشریح منحصر در قتل نیست، بخصوص بنا بر قول به تخییر بلکه یکی از چهار امر مذکور در آیه شریفه، هدف تشریح را تشکیل می‌دهد. نیز آنچه از مجازات صلب، بعد از قتل آمده است. این نکته استفاده می‌شود که صلب اعم از قتل است، گاهی ممکن است منجر به قتل شود و گاهی هم ممکنست منجر به قتل نشود، شبیه این مورد در بحث لواط، مطرح می‌شود که امام (ع) مخیر است در انتخاب یکی از موارد:

۱- کشتن با شمشیر؛ ۲- سوزاندن؛ ۳- سنگسار کردن؛ ۴- از بلندی پرت کردن؛ و ۵- افکندن دیوار روی او و اما در بیان روایت آمده که: «ضربه بالسيف بالغة مابلغت»؛ که این نکته استنباط می‌شود که چنانچه ضربه شمشیر منجر به قتل مجرم نشد، مجرم حق ادامه حیات را دارد.

۳) در امور جزائی، اصلی داریم به نام «قانونی بودن جرایم و مجازاتها»؛ یعنی هیچ فعل یا ترک فعلی جرم نیست، مگر اینکه قانونگذار آنکه تصریح کرده باشد و قاضی پس از احراز جرم مصرح در قانون صرفاً مجازاتی را می‌تواند به مجرم تحمیل نماید، که آن را قانونگذار جعل نموده باشد.

۴) در امور جزائی، تفسیر «موسع»

می‌افزاید، تسالم و توافق علما بر عملی مطابق با مضمون حدیث است.

اشکال: خوردن غذاهای مقوی بدن که ممکنست منجر به زنده ماندن مصلوب شود با هدف تشریح منافات دارد؛ زیرا از بعضی احادیث استفاده می‌شود که باید مصلوب را طوری به دار آویخت که از بین برود. لذا بعضی از فقها مانند «شهید ثانی» گفته‌اند: «اگر در سه روز کشته نشد، باید کشته شود». و از سیاق پاره‌ای از احادیث نیز استفاده می‌شود که مصلوب بعد از سه روز از دنیا رفته است، مانند این حدیث از امام صادق (ع) آمده که فرموده‌اند:

«مصلوب بعد از سه روز از چوبه دار پایین آورده می‌شود و آنگاه، مراسم غسل و دفن انجام می‌شود و جایز نیست، بیش از

قبول نیست و قائل به تفسیر مضیق شده‌اند، لذا قیاس نمودن و استفاده از قوانین و موارد دیگر برای مجازات ممنوع است. جرم در همان چارچوب خشک عبارات قانونی قابل قبول و محرز است و مجازات آن هم به همین ترتیب.

۵) قاعده‌ای وجود دارد به نام «تفسیر به نفع متهم»؛ آنگاه که بحقیقت ندانیم این عمل جایز است یا آن عمل؛ آنگاه که دلیل قطعی بر ترجیح احد طرفین نباشد، باید به نفع متهم تفسیر نمود، زیرا به هر حال او مأخوذ است و مجازات نیز می‌شود، لذا بر تحمیل درد و فشار و زحمتی که معلوم هم نیست که می‌بایست شامل حال مجرم باید بشود یا خیر، مجاز نیست.

۶) «منطقه الفراغ»:

علامه شهید سید محمد باقر صدر (ره) در کتاب «اقتصادنا»، بحثی تحت همین عنوان مطرح کرده‌اند و در آنجا می‌فرماید: مباحث تشریحی دارای دو جنبه است: ۱- آن مطالبی که از طرف اسلام به طور قطع و روشن بیان شده است و قابل تفسیر و تبدیل نیست. ۲- مطالبی که اسلام، آنها را مهمل قرار داده که پر کردن جای خالی آن را به دست دولت اسلامی نهاده است که براساس اهداف کلی و مقتضیات زمان آنها راحل نماید.

البته مراد از «منطقه الفراغ» نسبت به نصوص و متون تشریحی اسلام است نه نسبت به عالم واقع؛ چون به طور مسلم، هر واقعه‌ای عندا... حکمی دارد، لیکن همه این احکام در منابع موجود ذکر نشده است. نکته دیگر آنکه، «منطقه الفراغ» نسبت به زمان پیامبر اکرم (ص) برای ما حاصل می‌شود نه اینکه در زمان خود حضرت هم

جای بعضی احکام خالی بوده باشد. بلکه، ایشان با توجه به مسائل مورد نیاز زمان خود، هیچ حکمی را بدون بیان نگذاشته‌اند، لیکن نه آنکه همه مسائل و احکامی را که ایشان نیز بیان فرموده‌اند، از جنبه نبوت و رسالت بوده است بلکه از آنجایی که ولی امر و حاکم جامعه اسلامی بوده‌اند طبق مصالح و ضرورت‌های زمان، احکامی را درباره مسائل مختلف صادر

صلب اصعب از قتل است، گاهی ممکن است مجرم به قتل شود و گاهی هم نمی‌تواند مسجری به قتل نشود

کرده‌اند. بنابراین، چه بسا پیامبر (ص) در موقعیت دیگری حکم دیگری صادر می‌فرموده و این دلیل بر تضاد احکام نیست.

۷) در ماده (۱۲) آیین‌نامه نحوه اجرای احکام اعلام، رجم، صلب،... (مصوب ۱۳۷۰/۲/۱۵) آمده است که، مأمورین مکلفند هر خوردنی و آشامیدنی که محکوم قبل از اجرای حکم تقاضا کند برایش حاضر نمایند مگر...، و اطلاق ماده شامل انواع خوراکیها، خوردنیها و آشامیدنیها می‌گردد که از جمله موضوع سؤال ماست و بر این اساس، محکوم را نمی‌توان از خوردن و آشامیدن ممنوع کرد، مگر اینکه تقاضای محکوم خالی از تعلل در اجرای حکم باشد. تشخیص این امر با دادستان است که در حال حاضر این موضوع به قاضی مجری حکم تفویض می‌گردد.

نتیجه بحث: نتیجه‌ای که از این بحث

می‌توان گرفت، اینست که همین مقدار که در نصوص و متون شریعت راجع به مسأله‌ای ذکر می‌شود به میان نیامده باشد و مسأله هم به نحوی نباشد که از مصادیق یک حکم کلی عام محسوب شود تا تحت آن بگنجد، وارد مرحله «منطقه الفراغ» می‌گردد.

بعضی موارد وجود دارد که شارع مقدس اسلام، تعیین تکلیف آنها را با توجه به مصالح و مقتضیات زمان به دست ولی امر و حاکم اسلامی نهاده است، بنابراین این مسأله هم که «آیا مصلوب می‌تواند قبل از صلب تقویت شود (به اصطلاح روز دوپینگ نماید) یا نه، از مواردی است که طبق شرایط مختلف زمانی ممکن است حاکم یا قاضی نظر دهند، بویژه آنکه، موارد مشابهی از این قبیل در شرع هم، فراوان داریم. اگر کسی را ظاهراً محکوم به مرگ یا قتل می‌کنند ولی نتیجه قطعی عمل هم کشته شدن نیست، مثل هر مرجومی که از گودال رجم فرار کند یا کسی که دیوار بر رویش خراب کنند و شاید نمیرد؛ یا کسی که او را از بلندی بیندازند شاید کشته نشود... پس کسی را هم که مصلوب می‌کنند، شاید لزوماً قتل او مراد نباشد و تقویت شدن وی و نیرو گرفتن وی قبل از صلب منافاتی با سایر احکام حدود ندارد، پس حاکم می‌تواند اجازه بدهد چنین عملی از ناحیه شخص مصلوب واقع شود و ممانعت از این امر، دلیل خاص شرعی ندارد.

پی نوشتها:

۱- همان مأخذ همان صفحه

۲- همان مأخذ همان صفحه

۳- امام خمینی / روح /... / تحریر الوسیله / ج ۲

ص / ۴۹۲ / مسأله ۴

۴- اقتصادنا / صدر / محمد باقر / ص ۲۷۸